

از همان موقع به تشویق ناشران و مؤلفان داخلی پرداخته بودیم که تلاش کنند کتاب‌هایشان را به خارج از ایران هم منتقل کنند و در نمایشگاه‌های اختصاصی شرکت کنند و با ناشران خارجی قرارداد ببندند



تدابیر لازم داشت. در نهایت به مرکز نمایشگاه‌های بین‌المللی در خیابان سنول کنونی رسیدیم ولی این نمایشگاه بیشتر برای مصارف صنعتی و تجاری استفاده شده بود و حتی در آن ما قفسه ارائه کتاب هم نداشتیم. لذا یک بخشی از آن بودجه مورد نیازمان که پیشنهاد کرده بودیم، صرف کمک به سازندگان وسایل نمایشگاه کتابی بود که طراحی کرده و به اندازه مورد نیاز قفسه‌های نمایشگاهی تولید کنند. همچنین لوازم قفسه‌های کتاب که بیشتر از مواد خاص بوده اصلاً وجود نداشت و در کشور ساخته نمی‌شد.

علاوه بر اینها جا انداختن اینکه نمایشگاه کتاب بین‌المللی یعنی چه و چگونه است و ورودی مردم چگونه باید باشد و آیا از مردم پول گرفته شود یا خیر، برای ورود به نمایشگاه چون نیت این بود که یک نمایشگاه باید با درآمد خودش، خودش را تأمین و تجهیز کند، ما با این فکر مخالف بودیم ولی برای داشتن آمار ورودی مردم یک قبض‌های کم قیمتی چاپ شده بود که فقط برای نوعی آمارگیری از آن استفاده شود. حجم مراجعه‌کنندگان واقعاً فوق تصور ما بود و عکس‌های آن دوران را اگر ملاحظه کنید از دحام در اماکن ورود و حضور در سالن‌ها فوق‌العاده بود و مشکلاتی حتی برای مسئولان انتظامات محل ورودی ایجاد می‌کرد ولی بتدریج مردم با آن آشنا شدند و عشق و علاقه‌ای که برای حضور در نمایشگاه کتاب وجود داشت چندین برابر حضور مردم در نمایشگاه‌های صنعتی بود. این جذابیت کتاب و مباحث کتاب و تنوع کتاب‌ها و اصلاً همین ایده نمایشگاه بین‌المللی کتاب خود یک جذابیت فوق‌العاده‌ای ایجاد می‌کرد و رادیو و تلویزیون آن دوره حقیقتاً بسیار در معرفی مردم با نمایشگاه کتاب و مسائل بین‌المللی کتاب تلاش کرد.

در انتها اتفاق جذابی در دوره اول نمایشگاه افتاد که لازم باشد به مخاطبان ما بگویید؟

در دوره اول نمایشگاه یک باران شدید گرفت و سالن‌های محل نمایشگاه بین‌المللی اصلاً برای نمایشگاه مناسب نبود. تعداد زیادی از غرفه‌ها کامل خیس شدند. آب از سقف سالن‌ها وارد می‌شد و کل آثار، کتاب‌ها و قفسه‌ها زیر باران رفته بود و مسئولان آن زمان نمایشگاه اصلاً نمی‌توانستند جلوی آن را بگیرند یا تدابیری برایش اتخاذ کنند. یک حادثه خیلی ناراحت‌کننده‌ای برای ما، ناشران و مردمی که وارد سالن‌ها می‌شدند، بود.

بتدریج این اشکالات را یادداشت کردیم و با مسئولان نمایشگاه مذاکره کردیم که حتماً باید این مشکلات را برطرف کنید وگرنه ما دیگر اینجا نمایشگاه برگزار نمی‌کنیم تا این که برای جلوگیری از احتمالات بمباران تهران رفتیم و اماکن دیگری را بازدید کردیم که یکی از آنها همین محل فعلی بنیاد مستضعفان در میدان آفریقا بود زیرا پایه‌هایش محکم بود، بتن آرمه قوی داشت فکر می‌کردیم آنجا نمایشگاه را برگزار کنیم ولی به دلیل کوتاه بودن سقف امکان عرضه کتاب‌ها به صورت مناسب نبود.

نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران باعث شد لاقول دولت و ملت به اندیشه‌های جدید بپردازند و اماکن جدید را احداث کنند که بشود فعالیت فرهنگی را در آن به خوبی انجام داد.

نمایشگاه‌های بین‌المللی موضوع ایران را هم برای آنها مطرح کنیم. وزارت ارشاد یک بخش بین‌المللی هم داشت و با راه‌اندازی رایزنی‌های فرهنگی در خارج با مسئولان فرهنگی کشورهای خارجی و هم با افراد نشر و چاپ و بخش‌های فرهنگی آن کشورها ارتباطات خارجی شکل می‌گرفت. این یک کانال بسیار مهمی بود که از رایزنی‌های فرهنگی برای معرفی ایران و نمایشگاه تهران و دعوت از آنها استفاده می‌کردیم. البته در جاهایی هم سفارتخانه‌ها این نقش را در کشورهایی که رایزن فرهنگی نداشتیم، ایفا می‌کردند. خود سفیر یا سرکنسول یا بقیه کارکنان سفارت این نقش را ایفا می‌کردند بنابراین ما ناگزیر بودیم با وزارت امور خارجه یک همکاری گسترده و تنگاتنگ داشته باشیم و آنها را هم به کار بگیریم.

در آن سال‌ها که شرایط جنگ هم بود چه اهمیتی داشت که به حوزه کتاب وارد شویم؟

با توجه به اینکه مسئولان کشور اغلب شخصیت فرهنگی و علائق فرهنگی داشتند از سوی مسئولان کمتر با این موضوع مواجه می‌شدیم. در آن زمان نیازهای فرهنگی بسیاری نیز وجود داشت که برای رفع آنها، آن هم بدون ایجاد نمایشگاه در داخل کشور حتماً باید مقدار بسیار زیادی ارز از کشور خارج می‌شد که خب آن به نفع کشور نبود.

در آن دوره بهتر این بود که به صورت حساب شده متمرکز با گرفتن امتیازات بیشتر از ناشران خارجی و راه انداختن روش احترام به حقوق ناشر و مؤلف وارد یک عرصه جدیدی شوید که هم صرفه‌جویی ارزی هم وزارتخانه‌ها مقدار ۸ میلیون دلار به نمایشگاه کتاب تخصیص دهند.

آن برهه استقبال مردم عامه و ناشران داخلی از نمایشگاه چطور بود؟

مشکلات حقیقتاً بسیار زیاد بود که یکی دیگر از مهم‌ترین آنها همین بحث محل برگزاری نمایشگاه بود. آن زمان چون تهران مورد حمله موشکی و بمباران صدام قرار می‌گرفت، امنیت مردم موضوعی بود که باید بسیار به آن توجه می‌شد. در آن زمان جلسات بسیاری با مسئولان دفاع هوایی و ضد هوایی داشتیم زیرا مسائل امنیت محل نمایشگاه احتیاج به مطالعه و اتخاذ

حتماً دقت کنند و باز هم بعضی از کتاب‌های عربی ممکن است چاپ داخل بوده باشد، چاپ سنگی بود و در لبنان یا کشورهای دیگر آن را تبدیل کردند که به چاپ حروفی و تایپی بدون اینکه مجوز مؤلف و ناشر ایرانی را گرفته باشند.

اولین دوره نمایشگاه کتاب چند بخش را شامل می‌شد؟

در ابتدا یک بخش خارجی به طور کلی و یک بخش داخلی، بخش خارجی بر حسب موضوعات بخش‌های علمی، ادبی، هنری و بخش ترجمه را شامل می‌شد. یک قسمت هم ملزومات چاپ کتاب از انواع مسائل هنری، وسایل چاپ جدید، ابزار چاپ، نوع کاغذ و جلد و این مسائل فنی چاپ کتاب و کم بخش چاپ کامپیوتری را شامل می‌شد.

در بخش داخلی باز هم تقسیمات استان‌ها، حوزه مرکز، کتاب‌های علمی و کودکان که بخش بسیار بزرگی را به خود اختصاص می‌داد.

از همان ابتدا بخش کتاب کودک در نمایشگاه بوده است؟

بله چون حجم عظیم درخواست‌کنندگان خود کودکان بودند. برای همه این گروه از دانش‌آموزان مدارس و حتی پیش‌دبستانی فکر کردیم. بخش کتاب کودک باز هم قسمت‌های متعددی داشت حتی جلسات گفت‌وگوی خواننده کتاب با مؤلف یا ناشر یا مترجم همه این حلقه‌های گوناگون در زیرمجموعه کتاب‌های داخلی دیده شده بود و حتی خود تصویرگران را دعوت می‌کردیم و همان جا هم صحبت می‌کردند. از همان موقع به تشویق ناشران و مؤلفان داخلی پرداخته بودیم که تلاش کنند کتاب‌هایشان را به خارج از ایران هم منتقل کنند و در نمایشگاه‌های اختصاصی شرکت کنند و با ناشران خارجی قرارداد ببندند.

یک غرفه بسیار زیبا، بزرگ و مفصل هم با همکاری جمعی از هنرمندان و مهندسان و معماران و استادان دانشگاه‌های مختلف اختصاص داده بودیم که بسیار زیبا و جذاب بود و مراجعه‌کننده بسیاری هم داشت و مورد تأیید و تعریف و تمجید مسئولان کشور از ریاست جمهوری تا نخست‌وزیر تا وزرا و رؤسای دانشگاه‌ها هم قرار گرفته بود و حتی قابل استفاده در نمایشگاه‌های بین‌المللی هم بود.

طی دوره اول در بخش بین‌المللی نمایشگاه چه کشورهایی حضور داشتند و برای دعوت از ناشران از کشورهای مختلف از چه ابزاری استفاده کردید؟

برای حضور ناشر خارجی در ایران آنها را خیلی زیادی وجود داشت نه فقط برای ناشران و مؤلفان و محققان خارجی بلکه حتی برای دولت‌ها. ایران به‌عنوان یک جعبه بسته پر از سؤال بود بنابراین ناگزیر بودیم در گفت‌وگوها و حضور مان



در مورد ممیزی کتاب‌های خارجی وارد شده به نمایشگاه دو کمیته علمی دانشگاهی و حوزوی را ایجاد کردیم که در آنها افرادی چون آیت‌الله سبحانی، آیت‌الله جوادی آملی، مرحوم آیت‌الله عباسعلی و برخی دیگر حضور داشتند



در مورد ساختار ابتدایی نمایشگاه بگویید آیا از همان ابتدا کار دست وزارت ارشاد بود؟

بله از ابتدا کل کار دست وزارت ارشاد و معاونت فرهنگی بود که تسهیلاتی برایش منظور کرده بودیم. یک بخش کتاب‌های خارجی بود یک بخش کتاب‌های داخلی، برای هر کدام از اینها مقرراتی وضع کردیم مثلاً یکی از مقررات کتاب‌های داخلی این بود که حتماً چاپ جدید باشد. اگر ترجمه باشد مجوز مؤلف را حتماً گرفته باشند که خلاف قانون کپی رایب عمل نکنیم و نسبت به سایر نیازهایش هم صحبت می‌کردیم. در کتاب‌های خارجی باز هم چاپ جدید را تأکید می‌کردیم و چاپ قدیم را قبول نمی‌کردیم برخلاف بعضی از کتاب‌های زبان عربی برای حوزه علمیه که کتاب‌های مرجع و رفرنس محسوب می‌شوند که این دیگر قدیم و جدید ندارد ولی چاپ جدیدش را تأکید می‌کردیم که اگر اصلاحاتی وجود داشته باشند حتماً اعمال شود و کیفیت کتاب را

هنری که دارای تصاویر نامناسب و طراحی‌های نادرستی باشد، مناسب نیست.

ما در جهت رفع اشکال درست ایشان در مورد ممیزی کتاب‌های خارجی وارد شده به نمایشگاه دو کمیته علمی دانشگاهی و حوزوی را ایجاد کردیم که در آنها افرادی چون آیت‌الله سبحانی، آیت‌الله جوادی آملی، مرحوم آیت‌الله عباسعلی و برخی دیگر حضور داشتند. وظیفه این دو کمیته این بود که بررسی کنند که چه چیزهایی قابل قبول است و چه چیزهایی به کل منفی است و چه چیزهایی با اصلاحاتی می‌توان از آن استفاده کرد.

اگر دقیق در خاطرم باشد در دوره اول دکتر مرحوم حسن حبیبی، دکتر نجفعلی حبیبی، دکتر عبدالکریم سروش، دکتر حدادعادل به صورت ثابت در کمیته‌ها حاضر بودند و البته گهگاهی هم دکتر داوری اردکانی و شهید محمد بهشتی در مسائل هنری دعوت می‌شدند.



حجم مراجعه‌کنندگان واقعاً فوق تصور ما بود و عکس‌های آن دوران را اگر ملاحظه کنید از دحام در اماکن ورود و حضور در سالن‌ها فوق‌العاده بود و مشکلاتی حتی برای مسئولان انتظامات محل ورودی ایجاد می‌کرد ولی بتدریج مردم با آن آشنا شدند و عشق و علاقه‌ای که برای حضور در نمایشگاه کتاب وجود داشت چندین برابر حضور مردم در نمایشگاه‌های صنعتی بود

